**فرمان خلیفه**

**یغمائی، اقبال**

زیرا با انسان سروکار دارد باید این عامل روحی که تا حد زیادی فراموش‏ شده است.از نو پای به میان نهد،و گرنه گره باز نخواهد شد.و آن این است که‏ معلم بتواند کار خود را دوست بدارد و به آن اعتقاد داشته باشد،و به آن افتخار کند؛یعنی فضای آموزش طوری باشد که معلم اجر خود را که با مزد گرفته شده‏ نمی‏بیند،از طریق معنوی گرفته شه ببیند.

اگر چیزی تاکنون در دنیا آموخته شده است اول از همه به تولای این‏ عامل بوده است و این چیز کوچکی نیست.برای دست یافتن به همین یکی-چه‏ها نیست که محتاج دگرگون شدن نباشد؟

از کتاب طرفه‏ها

نوشته اقبال یغمائی

فرمان خلیفه

خلفای فاطمی در سال 297 هجری در سرزمینی که اکنون تونس‏ نامیده می‏شود.دولتی تشکیل دادند،و در سال 356 پس از تصرف مصر شهر قاهره را ساختند و آنجا را پایتخت خویش کردند.

یکی از خلفای این سلسله الحاکم بامرالله بود.او به جد معتقد بود که‏ زنان باید در خانه بنشینند،به خانه‏داری بپردازند و جز به وقت ضرورت از سرا بیرون نشوند.ازاین‏رو آنان را از ظاهر شدن در کوی و برزن و بازار سخت برحذر داشت؛و چون پس از مدتی دانست که زنان برخلاف دستورش‏ شبها در تاریکی شب به خانهء هم می‏روند خشمگین شد و به اسکافان فرمود که‏ از آن پس هرگز برای زنان و دختران کفش ندوزند.این فرمان هفت سال‏ نافذ بود و هیچ کفشگری جرأت دوختن موزهء زنان نداشت.